



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۳۹)

مالیات تورم

زینب شهنشه نوری

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۸

پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، سی و نهمین خروجی این ایده می‌باشد و به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

مفهوم مالیات تورمی

تامین کسری بودجه از طریق انتشار پول، به افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد منجر می‌شود که چنانچه این حجم نقدینگی افزایش یافته تناسبی با رشد تولید واقعی نداشته باشد، به افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم خواهد انجامید. تورم ناشی از افزایش حجم پول مانند مالیاتی است که بر جامعه تحمیل می‌شود. به این سیاست دولت و شیوه تامین مالی که مانند مالیاتی بر جامعه عمل می‌کند، مالیات تورمی^۱ گفته می‌شود.

مالیات تورمی چگونه ایجاد می‌شود

دولت یکی از نهادهای مهمی است که وظایف اقتصادی متعددی را بر عهده دارد. رشد اقتصادی، توزیع درآمد، تورم و بیکاری از جمله مهمترین متغیرهای اقتصادی و اجتماعی هستند که به طور مستقیم از فعالیتهای دولت متاثر می‌شوند. انجام این فعالیت‌ها مستلزم صرف هزینه‌هایی است که باید به نحوی تامین مالی شوند. اگرچه منابع تامین مالی دولت‌ها می‌توانند گسترده باشند، اما در

¹ Inflation Tax

بسیاری از کشورها مالیات‌ها منبع اصلی درآمد دولت محسوب می‌شوند. در برخی موارد که تامین هزینه‌های دولت به طور کامل امکان‌پذیر نباشد و سیستم مالیاتی کارآمدی هم وجود نداشته باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود. تامین مالی این کسری از جمله مهمترین مشکلات دولت‌ها محسوب می‌شود. اگر چه کسری بودجه، یک سیاست مالی رایج در راستای افزایش تقاضا و رشد تولید است که در بسیاری از کشورها در مقابله با رکود به کار گرفته می‌شود، اما آن‌چه سبب بهره‌مندی از این سیاست می‌شود، نحوه و محل هزینه‌کرد کسری بودجه است. برای تامین کسری بودجه، روش‌های گوناگونی نظیر استقراض خارجی، استقراض از نظام بانکی (شامل بانک مرکزی) و استقراض از مردم وجود دارد. انتخاب هر کدام از این روش‌ها با توجه به پیامدهایی که به همراه دارد و بسته به اهداف دولت انجام می‌شود.

تامین مالی کسری بودجه از طریق چاپ پول و به بیان دیگر استقراض از بانک مرکزی که اصطلاحاً به آن پولی کردن کسری بودجه می‌گویند، یکی از روش‌هایی است که در دولت‌هایی که سیستم مالیات ستانی کارآمد ندارند، به کار گرفته می‌شود. انتشار پول جدید به دلیل استقراض دولت از بانک مرکزی سبب می‌شود که مقادیر مشخصی از منابع موجود در اقتصاد در اختیار دولت قرار گیرد. این منبع درآمد را حق‌الضرب^۱ می‌گویند. حق‌الضرب، توانایی دولت را در افزایش درآمدهایش از طریق حق انحصاری انتشار پول نشان می‌دهد.

در صورتیکه در ازای پول چاپ شده و افزایش پول در دست مردم، به عرضه کالاها و خدمات چیزی اضافه نشده باشد، پدیده تورم رخ می‌دهد. تورم با کاهش قدرت خرید پول در نقش مالیات عمل کرده و به همین دلیل این بخش از پول منتشره که معادل آن کالا و خدمات وجود ندارد، تحت عنوان مالیات تورمی شناخته می‌شود. به عبارت ساده‌تر، هنگامی که دولت شروع به انتشار پول می‌نماید، چنانچه رشد اقتصادی از رشد حجم پول کمتر باشد، تورم افزایش خواهد یافت و قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد.

¹ Seigniorage

اگر بدهی دولت بسیار بزرگ باشد (مانند مورد آلمان پس از جنگ جهانی اول) و یا مخارج آن از درآمدهای مالیاتی پیشی بگیرد (مانند مورد فرانسه در دوران انقلاب) و یا دولت بدون احساس نیاز به پاسخگویی اقدام به چاپ پول بدون پشتوانه نماید (مانند مورد دولت مוגابه در زیمبابوه)، ریسک وقوع تورم‌های بالا و غیر قابل کنترل افزایش می‌یابد. در تمام موارد ذکر شده، دولت بدون توجه به پیامدهای آسیب‌رسان، اقدام به چاپ پول و افزایش نرخ تورم تا سطح بالایی نموده است. تمام موارد وقوع ابرتورم در این نکته مشترک بوده‌اند که دولت‌ها با حجم بالایی از بدهی مواجه بوده‌اند که درآمدهای مخاف پرداخت آن بدهی را نمی‌داده و دولت برنامه‌ای نیز برای افزایش نرخ مالیات و یا کاهش مخارج خود نداشته است. در عوض با چاپ پول و خلق تورم سعی در کاهش ارزش واقعی بدهی خود داشته‌اند.

اثرات مالیات تورمی

اگرچه دولت با انتشار پول جدید بدون پشتوانه، قسمتی از کسری خود را جبران می‌کند، اما این افزایش درآمد دائمی نخواهد بود. با افزایش تورم، مخارج دولت نیز افزایش می‌یابد و درآمد وی از چاپ پول باز هم کفاف هزینه‌ها را نخواهد داد؛ لذا این تصور که دولت همواره می‌تواند از خلق پول جهت افزایش درآمد خود استفاده کند، نادرست است و تنها در کوتاه مدت این سیاست تا حدی جوابگو بوده و در میان مدت و بلندمدت اثرات سوء این سیاست از طریق افزایش هزینه‌های دولت، خود دولت را درگیر می‌سازد.

سیاست‌های تورم‌زای دولت در سطح خانوار نیز منجر به کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه می‌شود. در واقع دولت با استفاده از غفلت ناظرین اقتصادی و افراد جامعه، اقدام به مطالبه مالیاتی می‌نماید که مورد تایید نهادهای رسمی نبوده و هزینه‌های سنگینی را به مردم و فعالین اقتصادی تحمیل می‌نماید. در این شرایط قدرت خرید مردم به ویژه قشر ضعیف کاهش می‌یابد.

از طرف دیگر در شرایط تورمی، خانوارها مجبور هستند که دفعات مراجعه خود را به بانک افزایش دهند. بانک‌ها نیز در این شرایط، ناچارند پولی را که می‌توانست به سمت بخش‌های تولیدی هدایت شود، به منظور پاسخ‌گویی به تقاضای مردم نزد خود نگه دارند. به عبارتی در شرایط تورمی تقاضا برای پول جهت انجام معاملات بیشتر از قبل خواهد شد.

مالیات تورمی تعادل در سطح بازارها را نیز مخدوش می‌سازد. از بین رفتن سکون و ثبات اقتصادی در اثر تورم، سبب رشد ناموزون بخش‌های اقتصادی می‌شود؛ به این معنا که افراد جامعه جهت حفظ ارزش پول خود به بازارهایی نظیر طلا یا مسکن هجوم می‌برند و نقدینگی از سمت فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های سوداگرانه سوق داده می‌شود و ضمن ایجاد نابسامانی در بازارهای مختلف، بخش تولید را نیز متاثر می‌سازد.

علاوه بر این، سیاست‌هایی که سبب تحمیل مالیات تورمی به جامعه می‌شود، اعتماد را در جامعه و نهادهای از بین می‌برد. تورم، دیدگاه پذیرفته شده در مورد ارزشمند بودن صرفه‌جویی و پس‌انداز را کذب جلوه داده و در مقابل به ولخرجی‌های ظاهری و مصرف‌گرایی بها می‌دهد. از آنجا که مردم تصور می‌کنند تورم به دلیل سیاست‌های نادرست دولت و برای پوشش کسری بودجه به وجود آمده، اعتماد عمومی به دولت نیز خدشه‌دار می‌شود.

اگر زبان‌های رفاهی ناشی از مالیات تورمی در محاسبه درآمد ناشی از حق‌الضرب وارد شود، میزان بهینه درآمد ناشی از مالیات تورمی و یا درآمد ناشی از حق‌الضرب به دست می‌آید. مطالعات مختلف نشان داده است که تنها در کوتاه‌مدت و در شرایط اضطرار که دولت نیاز به تامین مالی کسری بودجه دارد، استفاده از مالیات تورمی، می‌تواند به طور موقت گره از مشکلات دولت باز کند، اما در بلندمدت به کارگیری این سیاست سبب کاهش رفاه و تحمیل هزینه به افراد خواهد شد.

بنابراین نیاز است که دولت در زمان چاپ پول بدون پشتوانه، به هزینه‌های تحمیل شده توسط آن به اقتصاد توجه داشته باشد. چاپ پول به اندازه‌ای که متناسب با رشد اقتصادی باشد، مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما بیش از آن، ریسک افزایش غیر قابل کنترل قیمت‌ها را به شدت بالا می‌برد. با افزایش تورم، کارگران برای جبران کاهش ارزش پول، درخواست افزایش دستمزد را مطرح می‌کنند. افزایش دستمزد در بلندمدت رخ داده و هزینه کالاها و خدمات را متاثر می‌سازد، لذا سطح قیمت‌ها مجدداً افزایش می‌یابد. از طرفی تورم سبب افزایش هزینه‌های جاری دولت شده و کسری بودجه را افزایش می‌دهد. فشار کسری بودجه مجدداً دولت را به سمت استقراض از بانک مرکزی سوق داده و در نهایت ممکن است دولت در یک سیکل معیوب گرفتار شود که حاصلی جز ایجاد پدیده ابرتورم در بلندمدت

ندارد. در این حالت هر چه میزان استقراض دولت از بانک مرکزی افزایش یابد، درآمد کمتر و کمتر شده و همزمان تورم شدت بیشتری می‌یابد و نهایتاً از کنترل خارج می‌شود. مشابه این مورد در بحران اخیر اقتصادی در کشور ونزوئلا مشاهده شده است که به دنبال چاپ پول، تورم بالا رفته و به مرحله غیرقابل کنترلی رسیده است. در این مرحله دیگر امکان اخذ مالیات، ایجاد بدهی و حتی چاپ پول نیز وجود ندارد و دولت دیگر قادر به کنترل تورم نخواهد بود. لذا هم دولت و هم مردم در این شرایط متضرر خواهند بود.

چه کسانی مالیات تورمی را می‌پردازند؟

در یک نگاه کلی، مالیات تورمی مانند هر مالیات دیگری است که سبب انتقال ثروت از مردم به دولت می‌شود. اما مالیات تورمی ناقص دو ویژگی کلیدی یک سیستم مالیاتی خوب است. ساده و کارا بودن و منصف بودن سیستم مالیاتی. محاسبه و ارزیابی هزینه‌های تحمیل شده توسط تورم بسیار دشوار است و بسیاری از افرادی که متحمل این هزینه می‌شوند از آن آگاهی ندارند. در واقع تورم ناشی از اقدام دولت برای تامین مالی کسری بودجه از طریق چاپ پول، مالیاتی است بر ثروت کسانی که نمی‌توانند آن را پیش‌بینی کنند و یا برای محافظت از خود در مقابل آن تدبیری نمی‌اندیشند. کسانی که پول نقد پس‌انداز می‌کنند، کارگرانی که درآمد آن‌ها متناسب با تورم افزایش نیافته است، طرفین قراردادهایی که بندهای مناسب برای مقابله با تورم را در قرارداد نیاورده‌اند، شرکت‌ها و به بیانی، کل جامعه در نتیجه مالیات تورمی متضرر می‌شوند.

مهمترین دلیل این زیان، شیوه بازتوزیع ثروت در نتیجه تورم است. در شرایط تورمی، کسانی که دارایی غیر نقدی داشته باشند و یا وام گرفته باشند، از افزایش قیمت دارایی در زمان تورم و یا کاهش ارزش بدهی خود منتفع شده و کسانی که دارایی نقد داشته باشند، از کاهش ارزش آن متضرر می‌شوند. فقرا در مقایسه با ثروتمندان بیشتر در معرض کاهش قدرت خرید ناشی از تورم ایجاد شده قرار دارند. معمولاً اقشار ثروتمند در مقایسه با افراد فقیر، پول نقد کمتری نگه‌داری می‌کنند و حجم دارایی غیرنقدی بیشتری دارند. لذا در اثر بالا رفتن قیمت دارایی خود، از تورم منتفع می‌شوند. به علاوه از

آنجا که عموماً بر روی سبدهای مختلف (مانند سهام، زمین، املاک، مستغلات و جواهرات) سرمایه‌گذاری می‌کنند، اثر تورم را پوشش می‌دهند. اما برای افرادی که درآمد پایین دارند این کار چندان ساده نیست، زیرا ورود به این فعالیت‌ها نیازمند حداقلی از دارایی است که این افراد قادر به تأمین آن نیستند.

مقابله با مالیات تورمی

از آنجا که دلیل اصلی بروز مالیات تورمی، کسری‌های غیر قابل توجیه دولت و به عبارتی، ناتوانی دولت در تأمین مالی فعالیت‌های جاری و عمرانی است، لذا اساسی‌ترین اقدام در جهت مقابله با آن، شناسایی دقیق کاستی‌ها و مشکلات بودجه و نظام بودجه‌ریزی و اقدام عملی برای اصلاح و رفع کسری‌های مستمر است.

بودجه یک کشور، علاوه بر برنامه‌ها و سند مالی اجرای آن‌ها در طی یک سال، می‌تواند نشان دهنده وضعیت نهادی، میزان توسعه یافتگی و درجه ثبات اقتصادی آن کشور نیز باشد. هرچه سیستم مالیاتی به عنوان منبع اصلی درآمد دولت، عادلانه، فراگیر و کارا تر بوده و هر چه هزینه‌های دولت منطقی‌تر و در راستای کاهش نارسایی بازار و توسعه و ثبات اقتصادی باشد، کارایی بودجه بیشتر خواهد بود. انتخاب یک نظام بودجه‌ریزی مناسب که بتواند به کارایی، شفافیت و تصمیم‌گیری صحیح منجر شود بسیار مهم است. نظام بودجه‌ریزی باید خالق بستری باشد که در آن تعامل دو طرفه دولت و مردم برقرار بوده و هدف آن رفع مشکلات آحاد جامعه (و نه تنها دولت) باشد. تنظیم بودجه باید ضامن برقراری انضباط مالی بوده و توانایی پیش‌بینی دقیق منابع و کنترل هزینه‌ها را داشته باشد. انضباط مالی امکان تفکیک بین هزینه‌های اضافی و فعالیت‌های ناکارآمد و هزینه‌های ضروری و فعالیت‌های کارآمد را فراهم می‌کند. به این ترتیب کارایی هزینه‌های دولت ارتقاء یافته و زمینه‌های فساد و اعمال منافع و علائق در سیاست‌گذاری‌ها و عملکردهای اقتصادی محدود شده و احتمال ایجاد کسری بودجه کاهش می‌یابد.

به علاوه وقتی که بودجه در راستای توسعه و پیشرفت کشور تنظیم شود، به نحوی که هزینه‌های پیش‌بینی شده در آن معنادار و منطقی بوده و اختصاص منابع به آن نیز از شفافیت لازم برخوردار باشد،

ایجاد کسری‌های احتمالی نیز توجیه‌پذیر بوده و ثبات اقتصادی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. در غیر اینصورت، چنانچه ماهیت درآمدها و هزینه‌ها در بودجه نامناسب و غیرمنطقی باشد، دولت قادر به برقراری توازن میان مخارج و درآمدهای خود نبوده و برای جبران این عدم توازن، اقدام به استقراض از مقام پولی و در نتیجه منحرف نمودن سیاست‌های پولی از مسیر صحیح خود می‌نماید. به عبارت دیگر زمانی که سیاست‌های مالی دولت در قالب سند بودجه از کارایی لازم برخوردار نباشد، این ناکارایی با اعمال فشار بر مقام پولی و سیاست‌های پولی، سبب به هم خوردن تعادل بازار و در نتیجه ایجاد تورم شده و هزینه‌های گزافی را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند.

مالیات تورمی در ایران

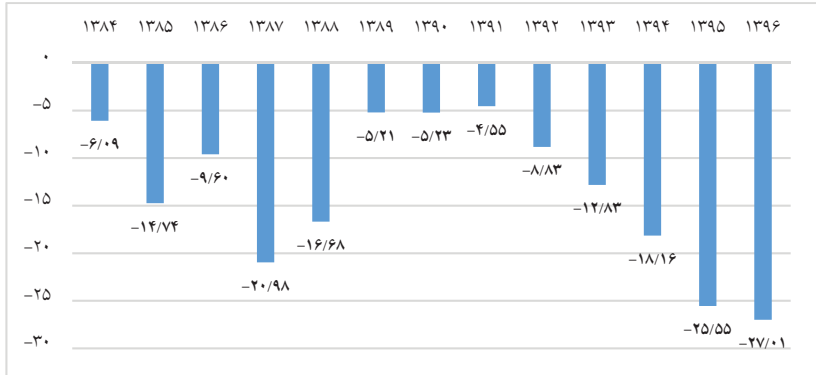
بودجه غیر شفاف و کسری‌های مداوم، یکی از مشخصه‌های بارز نظام بودجه‌ریزی در ایران است. منابع بودجه ضمن آن که غیر شفاف و ناکارآمد است، تنها با هدف حفظ وضعیت موجود و گذران امور جاری دولت تخصیص داده می‌شود. اصولاً عمده درآمدهای دولت باید از طریق سیستم مالیاتی به دست آید، اما در ایران به دلیل وجود درآمد نفت و عدم احساس نیاز به یک سیستم مالیاتی کارآمد، نقش درآمدهای مالیاتی در بین درآمدهای دولت کمرنگ بوده و مکانیزم کارآمدی برای جذب آن در نظر گرفته نشده است. بدیهی است که تنها در حضور یک سیستم مالیاتی فراگیر و عادلانه است که مردم از دولت مطالبه‌گر بوده و در مقابل دولت نیز باید پاسخگوی افکار عمومی و در پی جلب رضایت مالیات‌دهندگان باشد. عدم وجود تعامل مسئولانه بین دولت و مردم به دلیل وابستگی بودجه به نفت، باعث شده انضباط مالی دولت متاثر گردد؛ به‌طوری‌که بودجه جاری به میزان قابل ملاحظه‌ای به درآمدهای نفتی وابسته شده و به همین دلیل در زمان وفور این درآمدها، دستگاه‌های دولتی به شدت گسترش یافته و مخارج بلندپروازانه و سلیقه‌ای دولت افزایش می‌یابد، اما در زمان رکود و کاهش درآمدهای نفتی، دولت با کسری مواجه شده و فشار بودجه‌ای به مردم منتقل می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که هزینه‌های جاری دولت به طور مستمر در خلال سال‌های اخیر در حال افزایش هستند و متناظر با آن دولت همواره با کسری بودجه مواجه بوده و میزان این کسری نیز در طول زمان افزایش یافته است.

کسری بودجه دولت دارای دو منشاء ساختاری و غیرساختاری است. کسری بودجه ساختاری، به دلیل عدم هماهنگی میان دخل و خرج عمومی دولت در بلندمدت ایجاد می‌شود. این عدم هماهنگی نیز گاهی در اثر اولویت‌بندی سیاست‌های کلان اقتصادی مانند افزایش مخارج عمرانی با هدف تقویت زیربناهای اقتصادی و اجتماعی بروز می‌کند. کسری بودجه غیر ساختاری نیز به دلیل وقوع یک شوک خارجی مانند کاهش قیمت نفت و یا اعمال تحریم‌های نفتی (به ویژه برای کشورهایی که درآمد نفت سهم زیادی از بودجه دولت را تامین می‌کند) که سبب کاهش درآمد دولت شده، ایجاد می‌شود.^۱

در ایران به دلیل وابستگی بالای بودجه به درآمدهای نفتی و عدم تحقق درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده در بودجه و نیز هزینه‌کردهای ناکارآمد و بدون توجیه اقتصادی و متعاقب آن افزایش تعهدات و حجم بدهی دولت، هر دو نوع کسری بودجه ساختاری و غیرساختاری رخ داده است. اگرچه در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی صورت گرفته، اما همچنان نظام مالیاتی کشور فاصله فاحشی با جایگاه مطلوب و واقعی خود در تامین منابع بودجه داشته و همانطور که در نمودار شماره (۱) ملاحظه می‌شود، بودجه همچنان با کسری‌های قابل توجه مواجه است.

^۱ قلیچ، وهاب؛ ۱۳۹۴؛ نقش اوراق بهادار اسلامی در تامین کسری بودجه دولتی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی

نمودار (۱): کسری بودجه دولت (هزار میلیارد تومان)



منبع: گزیده آمارهای اقتصادی، بخش مالی و بودجه بانک مرکزی

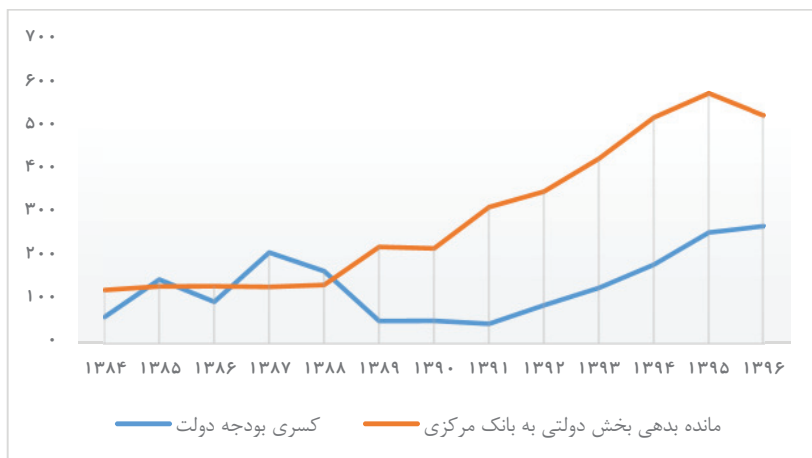
بررسی تاریخی آمارهای موجود نشان می‌دهد که به دلیل وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمد نفت، در دوره‌های افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش درآمد نفتی، دولت هزینه‌های جاری خود را افزایش می‌دهد؛ اما در دوره‌های کاهش درآمد نفت، اهمیتی برای کاهش هزینه‌های جاری نداشته و نتیجه این رفتار غیرعقلایی ادامه‌دار بودن روند کسری بودجه از اواسط دهه ۴۰ است؛ به نحوی که حتی در دوران وفور درآمدهای نفتی نیز کشور با این شرایط مواجه بوده است.

اما آنچه اصلاح این روند را بیش از پیش دشوار ساخته و اقتصاد را با معضلات دیگری مواجه می‌سازد، شیوه ناصواب تامین مالی کسری بودجه است. الگوی متعارف و غالب برای مقابله با کسری بودجه، فروش ارز حاصل از صادرات نفت به بانک مرکزی و دریافت مابه‌ازای ریالی آن و یا حتی استفاده مستقیم از منابع بانک مرکزی برای پوشش هزینه طرح‌های عمرانی بدون برنامه‌ریزی‌های لازم (مانند مورد تامین مالی مسکن مهر) است که سبب افزایش نقدینگی، ایجاد فشار تقاضا و در نتیجه تورم می‌شود. اگرچه در سال‌های اخیر دولت تلاش نموده با استفاده از اوراق بدهی و واگذاری شرکت‌های دولتی بخشی از کسری خود را پوشش دهد، اما به دلیل نبود زیرساخت‌های نهادی لازم، این تلاش‌ها

مثمر ثمر نبوده و منجر به افزایش بدهی دولت به دلیل ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌های سررسید شده و توزیع رانت در قالب خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی شده است.

نمودار شماره ۲ نشان دهنده همزمانی تقریبی افزایش کسری بودجه با افزایش مانده بدهی دولت به بانک مرکزی به ویژه در دوران تحریم‌های بین‌المللی و کاهش درآمدهای نفتی است.

نمودار (۲): کسری بودجه و مانده بدهی دولت به بانک مرکزی (هزار میلیارد ریال)

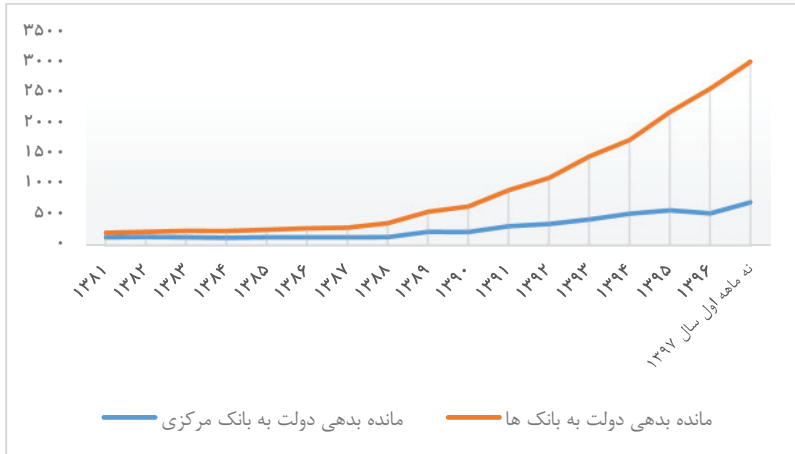


منبع: گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی

برداشت بی‌رویه دولت از منابع بانکی به منظور پوشش هزینه‌های جاری، در نمودار شماره ۳، نشان داده شده است. روند افزایشی مانده بدهی بخش دولتی به نظام بانکی در فاصله سال‌های ۹۶-۱۳۸۱، به معنی تعیین تکلیف و اعمال فشار دولت بر منابع بانک مرکزی و شبکه بانکی است که سبب افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و در نتیجه افزایش پایه پولی و متعاقباً تورم می‌شود.



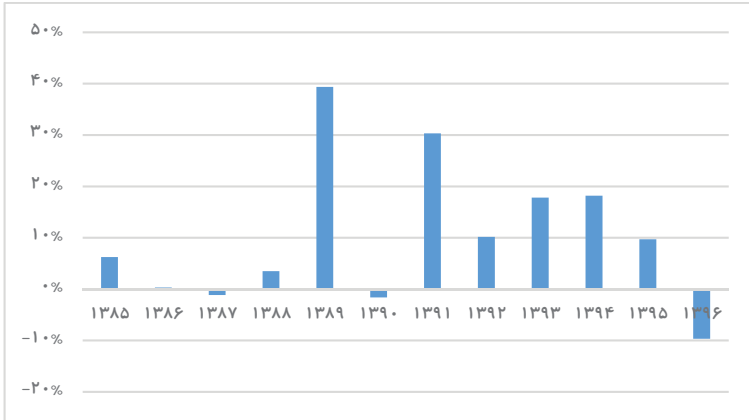
نمودار (۳): روند مانده بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و بانک مرکزی (هزار میلیارد ریال)



منبع: گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی بانک مرکزی

نرخ رشد مانده بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی نیز در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که در اکثر سال‌های دوره مورد بررسی، نرخ رشد مانده بدهی دولت به بانک مرکزی مثبت بوده است.

نمودار (۴): نرخ رشد مانده بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی (درصد)



منبع: گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی بانک مرکزی

بدهی دولت به بانک مرکزی که روند افزایشی آن در نمودار شماره ۵ نشان داده شده است، یکی از اجزای پایه پولی است که افزایش آن سبب افزایش پایه پولی و در نتیجه ایجاد تورم می‌شود. بدهی دولت به سایر بانک‌ها نیز سبب افزایش فشار به منابع بانکی و در نتیجه اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی شده و لذا به طور غیرمستقیم سبب افزایش پایه پولی و افزایش تورم می‌شود.



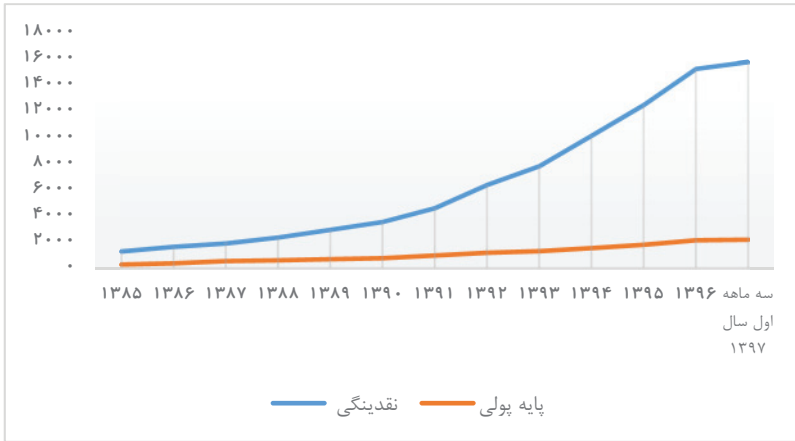
نمودار (۵): مانده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی (هزار میلیارد ریال)



منبع: گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی بانک مرکزی

نمودار شماره ۶ نیز روند افزایشی پایه پولی و نقدینگی را نشان می‌دهد.

نمودار (۶): روند رشد پایه پولی و نقدینگی (هزار میلیارد ریال)

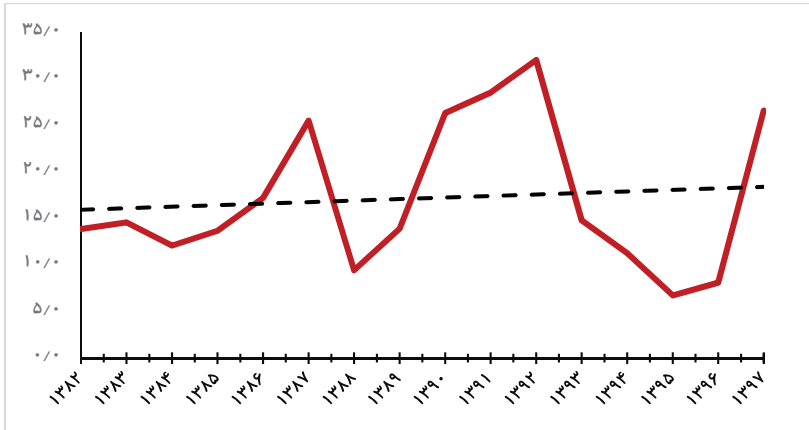


منبع: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

همانطور که مشاهده می‌شود حجم نقدینگی در سه ماهه اول سال ۱۳۹۷ به بیش از ۱۵۸۰۰ هزار میلیارد ریال بالغ شده^۱ و رشد نقدینگی نامتناسب با رشد اقتصادی را به یکی از معضلات ساختاری و اصلی نظام اقتصادی کشور بدل نموده است. مستمر شدن عدم تعادل بودجه عمومی و ناکارایی سیاست‌های مالی دولت و انتقال تبعات آن به کل اقتصاد، بیانگر لزوم بازنگری و اصلاح در ساختار بودجه و سیاست‌های مالی دولت است. سیاست‌های مالی ناکارآمد دولت، در کنار سایر عوامل، سبب بروز پدیده تورم مزمن در کشور شده است. نمودار شماره ۷ روند افزایش قیمت سالیانه را برای دوره ۹۷-۱۳۸۲ نشان می‌دهد.

^۱ نماگرهای اقتصادی، سه ماهه اول سال ۱۳۹۷

نمودار (۷): روند تورم سالیانه (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران

ملاحظه می‌شود که تورم نیز در طی دو دهه گذشته روند نوسانی و رو به افزایشی داشته و در چند سال اخیر، علی‌رغم تلاش برای کنترل آن، مجدداً از شدت کاهش آن کاسته شده و از سال ۱۳۹۵، روند کاهشی آن معکوس شده است. طبق آخرین آمار موجود در درگاه ملی مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه به نقطه کل کشور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ برابر با ۵۲٫۱ درصد و نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به اردیبهشت ۱۳۹۸ کل کشور معادل ۳۴٫۲ درصد بوده است. شایان ذکر است که نوسان‌های اخیر در نرخ ارز که ابتدا در جهت تامین منبع درآمد برای پوشش کسری بودجه آغاز شد و با تشدید تحریم‌ها شدت گرفت نیز در افزایش تورم بسیار مؤثر بوده است. تحریم‌ها از طریق متاثر ساختن صادرات نفت، سبب وارد آمدن شوک به درآمدهای نفتی و بودجه دولت شده و این شوک نیز به طرق مختلف سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش داد.

به طور کلی و با در نظر گرفتن مجموع اطلاعات و آمار ارائه شده، می‌توان گفت که ناکارآمدی سیاست‌های مالی دولت، وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و نیز عدم وجود اراده لازم در اصلاح نظام مالیاتی، سبب مواجهه دولت با کسری بودجه مستمر شده است. به علاوه نحوه تامین مالی این

کسری و خلق پول بدون پشتوانه منجر به وارد شدن فشار مالیات تورمی به عنوان هزینه‌ای تحمیلی به افراد شده که تناسبی با درآمد ایشان نداشته و بار آن هم بیشتر بر دوش قشر کم درآمد است. این در حالی است که هدف اصلی نظام مالیاتی، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد ذکر شده است. مادامی که بودجه به نفت وابسته باشد و دولت لزومی به اصلاح نظام مالیاتی به عنوان یکی از منابع تامین درآمد بودجه نبیند، سیاست‌های مالی به پولی تسلط داشته باشد و دولت خود را ملزم به پاسخگویی نداند، استقبال دولت از چاپ پول بیشتر خواهد شد. لذا نیاز است که ضمن بررسی دقیق‌تر موضوع مالیات تورمی و هزینه‌های آن در اقتصاد ایران، راه حل مناسبی برای مقابله با آثار منفی این پدیده اندیشیده شود.

جمع بندی

کسری بودجه بیماری مزمنی است که دولت از اواسط دهه ۴۰ همواره گرفتار آن بوده است. عدم اهتمام دولت برای کاهش وابستگی بودجه به نفت و اتخاذ یک سیاست مالیاتی مدون و کارآمد، عدم وجود یک بازار مالی منسجم، عدم وجود انضباط مالی در بدنه دولت و به طور کلی ساختار ناکارآمد نهادی در اقتصاد، سبب شده است که دولت برای تامین مالی کسری خود به ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین روش که همان چاپ پول است روی بیاورد.

علاوه بر استفاده بی‌رویه دولت از حق انحصاری چاپ پول، حجم بالای نقدینگی در چند دهه اخیر، معلول عوامل دیگری از جمله اختلال در بازار ارز است. ایجاد پول بدون پشتوانه و افزایش نرخ ارز دو روی یک سکه هستند که از طریق تنزل شدید ارزش پول ملی منجر به اخذ مالیات تورمی از عامه مردم با هدف تامین مخارج جاری و غیر مولد دولت شده است.

وابستگی بودجه به نفت، توزیع رانت از مجرای بودجه، عدم شفافیت، وجود فساد قابل ملاحظه در دستگاه‌های اداری و دولت، وضعیت را به نحوی درآورده که بودجه دولت تبدیل به یکی از مجاری اصلی ایجاد بی‌ثباتی شده است.

برای کاستن از تبعات تورمی کسری بودجه، نیاز است که اصلاح ساختار بودجه از سه بعد کاهش هزینه‌های جاری (از طریق بهبود عملکرد و کارایی نهادهای دولتی)، افزایش درآمدهای غیرنفتی (از طریق پایه‌ریزی نظام مالیاتی کارا و منعطف) و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی در دستور کار قرار گیرد.

به همین منظور باید در گام اول، بودجه‌های گذشته کشور به لحاظ صحت هزینه‌ها و ماهیت توسعه‌ای آن‌ها، شفافیت بودجه، انضباط بودجه‌ای، کسری بودجه‌های رخ داده شده و ماهیت آن‌ها و نحوه کارکرد درآمدهای ارزی در بودجه و نقش مالیات‌ها ارزیابی و تحلیل شده و مشکلات این بخش احصاء شود.

همچنین در گام بعدی دولت باید خود را ملزم به رعایت انضباط پولی دانسته و متولیان سیاست پولی را از متولیان سیاست مالی تفکیک نماید. افزایش استقلال بانک مرکزی موجب کاهش اثرگذاری رفتارهای بودجه‌ای دولت بر ترازنامه بانک مرکزی شده و لذا کنترل بانک مرکزی در حفظ انضباط پولی افزایش می‌یابد. متعاقب آن حوزه اختیار دولت در سوءاستفاده از حق انحصاری چاپ پول محدود شده و زمینه مساعد برای ارتقای انضباط مالی دولت نیز فراهم می‌شود. سپس ضروری است که دولت با اصلاح شیوه بودجه‌ریزی، سعی در تعدیل هزینه‌ها بر اساس منابع در دسترس نماید تا بتواند کسری بودجه را کنترل نماید. کاهش وابستگی بودجه به نفت و به موازات آن اصلاح سیستم مالیاتی و تلاش در جهت گسترش پایه‌های مالیاتی به جای افزایش نرخ‌های مالیاتی نیز باید در دستور کار دولت قرار گیرد. همچنین تنوع بخشیدن به شیوه‌های تامین مالی کسری بودجه و پایان بخشیدن به رویه ناصواب استقراض از سیستم بانکی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند در بهبود شرایط موجود بسیار مؤثر واقع شود.

منابع فارسی:

- ۱- بخشی دستجردی، رسول و همکاران؛ ۱۳۹۷، تحلیل بلندمدت و کوتاه‌مدت آثار تامین مالی دولت از طریق مالیات تورمی با رویکرد نیوکینزین، فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال نهم، شماره سی و سوم
- ۲- بیات، سعید و قلیچ، وهاب؛ ۱۳۹۷، اثرات شیوه‌های جبران کسری بودجه بر تورم و رشد اقتصادی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی
- ۳- پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۷، چکیده سیاستی بیست‌وهشتمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، ص ۶.
- ۴- جعفری صمیمی، احمد و شمخال، رشید؛ بررسی اهمیت و عوامل مؤثر بر مالیات تورمی در ایران، ۱۳۷۶، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۰
- ۵- دلالی اصفهانی، رحیم؛ واعظ برزانی، محمد و شفیعی زاده، مینا؛ ۱۳۹۳، مقایسه هزینه رفاهی مالیات حق الضرب و مالیات مصرف، با رویکرد خرید نقدی: مطالعه موردی اقتصاد ایران، فصل‌نامه ودلسازی اقتصاد سنجی، سال اول، شماره سوم
- ۶- شاکری، عباس؛ جهانگرد، اسفندیار و اقلامی، سمیه؛ ۱۳۹۲، اثر غیرخطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)
- ۷- شاکری، عباس. ۱۳۹۵، مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران، انتشارات رافع
- ۸- قلیچ، وهاب؛ ۱۳۹۴، نقش اوراق بهادار اسلامی در تامین کسری بودجه دولتی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی
- ۹- موسوی محسنی، رضا و نوروزی، هایده؛ ۱۳۹۰، برآورد تجربی مالیات تورمی و سطوح منحنی لافر: مطالعه موردی اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره سوم
- ۱۰- میربهراری، سید مهرزاد؛ ۱۳۹۴، شناسایی ساختار بدهی دولت به بانک مرکزی در ایران و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۷۰
- ۱۱- میسمی، حسین؛ ۱۳۹۱، پولی کردن کسری بودجه از منظر اقتصاد اسلامی: گزارش ششمین جلسه نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی، مرکز پژوهش‌های پولی و بانکی بانک مرکزی

منابع لاتین:

- 1- Aisen, Ari & Jose Veiga, Francisco, The Political Economy of Seigniorage, 2005, International Monetary Fund
- 2- Comely, Pete; 2013, Inflation Tax: The Plan to Deal with the Debts
- 3- Korosteleva, Julia. Maximising Seigniorage and Inflation Tax: The Case of Belarus; 2007, Department of Economics & International Development, University of Bath
- 4- Obstfeld, Maurice; Notes on Seigniorage and Budget Constraints, 2012, Berkeley University



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.

یادداشت

A series of horizontal dotted lines for writing notes.

